

# در محکومیت درگیری مسلحانه بین دو حزب کرد



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران



## اطلاعیه

### جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

در پی بروز اختلافات میان دو حزب کومله زحمتکشان کردستان ایران و حزب کومله کردستان ایران درگیری مسلحانه ای در اقلیم کردستان روی داد که منجر به کشته شدن دو تن و بستره شدن دو تن دیگر گشت.

به گمان ما جای دیالوگ، تعامل، و تبادل گفتگوهای دموکراتیک با سلاح و خشونت جا بجا شده است که ما یه تاسف است. این امر موجب ناامیدی و دلسربدی مردم مبارز ایران خواهد شد و بیاعتمادی از اپوزیسیون اش را دامن میزند.

از این رو، جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، احزاب، سازمانها و کنشگران آزادی خواه، جمهوری خواه و دموکرات ایران را دعوت به موضع‌گیری و محکوم کردن این درگیری مسلحانه می‌کند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، بدین وسیله، درگیری مسلحانه بین این دو تشکیلات سیاسی را شدیداً محکوم می‌کند. هیچ چیز، مطلقاً هیچ چیز،

نمیتواند و نباید توجیه‌گر توسل به خشونت، قهر و اسلحه به جای دیالوگ، تعامل و تبادل گفتاری و دموکراتیک، در حل و فصل اختلافات سیاسی و تشکیلاتی بین احزاب و سازمانها گردد.

ما امید داریم که این سازمانها با شناسایی آمران و عاملان این درگیری، شفاف سازی، روشن کردن علل درگیری و یافتن راه حلی خردمندانه برای پایان دادن به اختلافات میان دو تشکیلات از بروز مجدد چنین اتفاقات خشونت بار و تاسف انگیز جلوگیری کنند.

جن بش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

7 ژوئیه 2023 – 16 تیر 1402

گردهمایی سراسری دوازدهم  
جن بش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران



# گرد همایی "نماینده سیاسی"

## بیانیه سیاسی

۱- خیزش انقلابی ۱۳۹۰، در اعتراض به کشته شدن مهسا (ژینا) امینی توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی، از ۲۶ شهریور در ایران آغاز شد و طی چهار ماه کما بیش باشد و گستردگی ادامه پیدا کرد، این خیزش با طرح خواست اصلی و محوری سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران، خیزشی بیسا بقه و انقلابی در طول ۴۴ سال حاکمیت اسلامی در کشور ما بود. در جریان آن، بنا بر آمار نهادهای حقوق بشری بین‌المللی، بیش از ۵۰۰ نفر از معتضدان خیابانی کشته شدند، بیش از ۱۴ هزار نفر از فعالان و معتضدان دستگیر، دهها نفر محکوم به اعدام و چندین نفر نیز به دار آویخته شدند و از سرنوشت دهها تن دستگیر شده و زندانی نیز هیچ خبری در دست نیست. با وجود سرکوب و کشتار، اما این خیزش اعتراضی ضد دیکتا توری و ضد دین سالاری در ایران تا کنون از پای ننشسته است چون ریشه در ثرفاي جامعه ستمدیده ایران دارد. پی‌آمد بیش از چهار دهه نظام تبعیض آمیز دینی همراه با رانت خواری، دزدی و دروغ، قتل و غارت، ناکار آمدی و بی‌کفایتی حاکمان در حل کوچکترین مشکلات و مسائل جامعه و بالاخره سیاست‌های زن ستیز رژیم باعث خیزش انقلابی زن زندگی آزادی شد و مردمان اقوام و اقوام را گوناگون و به ویژه تهییدستان کثیری را برای اعتراض به خیابان‌ها کشید و مرحله‌ی نوینی از رشد آگاهی و پیکار برای کسب آزادی و دموکراسی در ایران را بازگشود، که نوید بخش قیام‌های بزرگ در آینده ای نه چندان دور خواهد بود.

۲- این خیزش انقلابی نشان داد که خواست اصلی اکثریت بزرگ مردم ایران امروز، دست‌یافتن به آزادی و دموکراسی و پایان دادن به دین‌سالاری و تبعیض‌های گوناگون آن، از راه سرنگونی رژیم و نه اصلاحات

غیرممکن آن است. این خواست را معتبرضیں کف خیابان با شعارهای خود: نه به دیکتاتوری!، نه به جمهوری اسلامی! و زنده باد آزادی!، روزها و شبها بر زبان آوردند. جامعه ایران در اکثریت شکننده اش، از اقشار و طبقات مختلف، با این که در انبوه ملیونی خود به خیابان نیامد، اما با شیوه ها و از راه های گوناگون با این خواست اصلی معتبرضان همسوی، همراهی و همبستگی نشان داد.

۳- خیزش ۱۴۰۱ خیزشی خودجوش و خودانگیخته زنان و جوانان برای آزادی و رهایی از دیکتاتوری بود. با شعارها، خواستها، ابتکارها و اقدامها یش، این جنبش از پیشسازماندهی و برنامه ریزی نشده بود و از سوی گروهی، دسته ای و یا جریانی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، هدایت نمی گردید. این خیزش در جریان روند مستقل خود دارای تشکیلات و رهبری نبود، با این که در فرایند حرکت و گسترش خود، به گونه ای خودجوش، خودمحور و خودمنتظر، شکلها و شیوه های از هماهنگی، همکاری، خبررسانی و سازماندهی های جنینی، موضعی، افقی و محلی میان خود را توانست، به رغم همه موانع و مشکلات ناشی از سرکوب، به وجود آورد.

۴- خیزش ۱۴۰۱ ذهنیت مبارزانی و مقاومتی جنبش های پیشین را چون تجربه و خاطره با خود به همراه داشت. این جنبش خیزش انقلابی را می توان ادامه های جنبش های بزرگ اجتماعی پیشین در ایران، جنبش های صنفی، مدنی، سیاسی و همچنین اعتصابات و اعتراضات گوناگون، از دهه ۸۰ تا کنون توضیح داد: جنبش ۱۳۸۸ در اعتراض به تقلب در انتخابات دهم ریاست جمهوری، جنبش دیماه ۱۳۹۶ در اعتراض به گرانی کالاهای و مایحتاج عمومی، جنبش خرداد ۱۳۹۷ در رابطه با مشکلات اقتصادی، جنبش آبان ۱۳۹۸ در اعتراض همگانی به سهمیه بندی بنزین و سرانجام جنبش تا بستان ۱۴۰۱ در اعتراض به بحران و کمبود آب. با این همه اما، خیزش زن زندگی آزادی، از سخن و سرشت دیگری بود. ویژگی اصلی، ممتاز و متمایز آن نسبت به جنبش های گذشته در ایران، از یکسو خواست

رادیکال سیاسی، گفتمان غیردینی (حتی ضد دینی) و بیشک ضد دین‌سالاری و از سوی دیگر نقش بسیار برجسته زنان، جوانان، نوجوانان، دانشجویان و دانشاموزان آزادیخواه در خیزشی بود که از اقشار، طبقات، اقوام و از محلات مختلف در شهرها و شهرستان‌های بزرگ و کوچک ایران بر می‌خاستند.

۵- چند ویژگی خیزش ۱۳۹۰-۱۴۰۰ را اشاره می‌کنیم:

- شرکت و حضور گسترده زنان به گفته تحلیل‌گران بسیاری در مقایسه با اعتراضات پیشین قابل ملاحظه است. دلیل آن بی‌تردید مخالفت با حجاب اجباری و زنستیزی حاکمیت اسلامی است که مردان و پسران جوان و نوجوان با شوری فراوان به پشتیبانی از این خیزش برخاستند. حتا در مناطقی چون سیستان و بلوچستان که به دلیل ویژه‌گی‌های فرهنگی به طور معمول زنان کمتر در حرکت‌های اجتماعی شرکت می‌کردند، این‌بار شاهد حضور چشم‌گیر آنان بودیم.

- پایین بودن سن معتراضان، بنا به گزارش خبرگزاری‌های رسمی داخل کشور، حدود ۸۰ درصد بازداشتی‌ها نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله بودند که با توجه به سهم ۱۳ درصدی جمعیت کل کشور، نشان از مشارکت فراوان جوانان در این خیزش انتقالی است.

- گسترش اعتراضات در تمام مناطق و استان‌های کشور و در بیش از ۱۴۰ شهر و شهرستان و بخش. اعتراضات متعدد گروهی روزها و شبها در نقاط مختلف هر شهر. تنها در تهران در بیست مکان مختلف، معتراضان خیابانی ماموران سرکوب نظام، بسیجی‌ها و پاسداران را به استیصال کشاندند. اعتراضات در استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان، کردستان و گیلان بیشتر و پی‌گیرتر از هر منطقه‌ی دیگر ایران ادامه پیدا کرد.

به طور کلی و در یک کلام می‌توان گفت، در خیزش

۱۴۰۱ انقلابی، خواست اصلی معتراضان رهایی از فشار و سلطه و تبعیض دینی و آتنیکی، به ویژه نسبت به زنان، جوانان و اقلیت‌های قومی، برای یک زندگی در آزادی بود. سایر خواستهای اجتماعی و اقتصادی چون عدالت اجتماعی، برابری و معضلات معیشتی، صنفی، محیط زیستی، فقر، بیکاری، کمدرآمدی، پائین بودن حقوق بازنیستگی، گرانی و غیره که در جنبش‌های اعتراضی سال‌های پیش مطرح می‌شدند، در این خیزش نیز البته همچنان باشد. باز هم بیشتر به جای خود باقی مانده و مطرح بوده‌اند. اما در این حرکت نوین بسیا بقه، این‌ها همه به عنوان مطالبات اقتصادی، صنفی و مدنی، در پرتو یک خواست اصلی، تعیین‌کننده و شاخص که همانا پایان دادن به عمر دیکتا توری و دست‌یافتن به آزادی بود و این را نیز معتراضان تنها از راه سرنگونی تام و تمام رژیم جمهوری اسلامی امکان‌پذیر می‌شمردند.

۶- نهادها و انجمن‌های صنفی و مدنی در ایران در چند دهه اخیر، با این که از آزادی تشکل و فعالیت برخوردار نیستند - چون شورای هماهنگی معلمان، اتحادیه بازنیستگان، سندیکای کارگران هفت تپه و شرکت واحد، کانون نویسندگان ایران، اتحادیه‌های دانشجویی و دیگر نهادهای همسان - توانسته‌اند با اعتراض‌ها، اعتصاب‌ها و تحصنهای مستمر و گسترده خود در اکثر نقاط کشور نقش مهمی در رشد جنبش‌های اجتماعی و آگاهی مبارزاتی و مقاومتی مردم ایفا کنند. این نهادها، در جریان خیزش انقلابی ۱۴۰۱، همراهی و همسویی خود را با زنان و جوانان مبارز و آزادی طلب از راههای گوناگون نشان دادند و امروز نیز، در شرایط افت موقت اعتراضات، خاموش ننشسته‌اند و با هر امکان و وسیله‌ای به خیابان می‌آیند تا شعله خشم و نفرت مردم به ستوه آمده را زنده نگاه دارند.

۷- شعار ۱۴۰۱ ایران که به پرچم نمادین خیزش انقلابی ایران تبدیل شد، هویت مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی با دو خصوصیت اصلی دین‌سالاری و ستم

بر اقوام را نشان داد. زنستیزی و تبعیض بر اقلیت‌ها به ویژه بر اتنی‌های ساکن ایران، بیان‌گر چیزی نیست جز دشمنی بنیادین حاکمیت اسلامی با زندگی انسان‌ها در آزادی، آزادگی و برابری با ویژگی‌های جنسیتی، فرهنگی و قومی شان. خیزش برخاسته از مرگ مهسا (ژینا)، با اعتراض زنان به حجاب اجباری، با از سر برداشتن روسربا و آتش زدن آن‌ها آغاز شد و با شورش بخش‌های گسترده‌ای از اقشار مختلف اجتماعی، فرهنگی، هنری، ورزشی... و اقلیت‌های قومی، از کردستان تا بلوچستان با گذر از دیگر استان‌های ایران، برای رهایی از سلطه و ستم ادامه پیدا کرد.

زنان ایرانی به طور فزاینده‌ای از محدودیت‌های زندگی شخصی و حرفة‌ای خود به تنگ آمده‌اند. آن‌ها با مجموعه‌ای از موانع قانونی، فرهنگی و مذهبی مواجه هستند که فرصت‌ها و آزادی آن‌ها را محدود می‌کند، از جمله محدودیت در خود مختاری شخصی، پوشش، تحصیل و اشتغال. در درازای چهل و اندری سال تبعیض و زنستیزی در جمهوری اسلامی، جنبش اجتماعی برای "زن، زندگی، آزادی" با میل به رفع این موانع و ترویج برابری و آزادی بیشتر برای زنان در ایران تقویت شده است. در حقیقت، خیزش زن زندگی آزادی محصول تغییرات اجتماعی و اقتصادی در کشور است. این تغییرات به خواسته‌های فزاینده برای آزادی و برابری بیشتر برای زنان و در نتیجه به یک جنبش اجتماعی بزرگ زنان در کشور ما انجامیده است. این جنبش همچنین تحت تأثیر تغییرات فرهنگی در ایران قرار گرفته است، زیرا نسل‌های جوان نقشه‌ای جنسیتی سنتی را رد و طرد می‌کنند و خواهان آزادی و برابری بیشتر هستند. در نهایت، جنبش اجتماعی برای «زن آزادی زندگی» در ایران، نمونه‌ای از قدرت جنبشهای اجتماعی برای ایجاد تغییرات اجتماعی بنیادین و ایجاد شکل‌های جدید زندگی و به طور کلی خود جامعه است.

\_\_\_\_\_ در عین حال یک شعار فمینیستی در

اوضاع و احوال جهانی است که امروزه با نابرابری جنسیتی و با اشکال مختلف خشونت و تبعیض علیه زنان، شهروندان و... رو به رو می‌باشد. این شعار در عین حال جها نشمول است چون مسالمه آزادی زنان در دنیاًی امروز را طرح می‌کند. در دنیاًی که از هر سو، آزادی‌های اساسی، دموکراسی، جمهوریت، حقوق بشر و اقلیت‌های انتیکی، برابری و غیره بیش از پیش مورد حملهٔ نیروهای استبدادگرا، خودکامه، نژادپرست، توتالیتر و پوپولیست قرار می‌گیرند. از این رو می‌توان به راستی درک کرد که چگونه شعار مرکزی خیزش انقلابی ایران مورد پذیرش و استقبال فراوان نیروهای فمینیست، دموکرات، آزادیخواه و ترقیخواه جهان قرار گرفت. با توجه به نکات بالا می‌توان گفت خیزش "زن، زندگی، آزادی" دارای ویژگی‌های گفتمانی و فرهنگی نوینی (غیر دینی) است که در سالهای اخیر در کوران مبارزات و خیزش‌های چند سال اخیر تدوین شده و مورد استقبال اکثریت مردم ستمدیده و جنبش‌های مدنی قرار گرفته و نمودهای آنرا می‌توان در اشکال مبارزاتی، ترانه‌های بیشمار انقلابی و شعارها دید.

-۸- اگر چه نابرابری و فشاری که بر زنان از همان فردای انقلاب ۱۳۹۷ و در درازای عمر نظام روا رفته ناگفتنی است، اگر چه جوانان از تحمیل سبک زندگی و محدودیت‌های واپسگرانه حکومت اسلامی بستوه آمده‌اند، اما انگیزه‌های دیگری نیز در خیزش اجتماعی اخیر تاثیر داشته‌اند. واقعیت این است که تورم لجام گسیخته، بی‌ارزش شدن پول ملی و بیکاری کمر مردم را زیر بار گرانی و نداری خم کرده است. نرخ بالای تورم، اقتصاد کشور را در سرآشیب سقوط قرار داده است. وزارت کار ایران در گزارش سالانه خود، از رشد چشمگیر شمار مستمندان کشور خبر داده است، از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ یکسوم جمعیت کشور به زیر خط فقر مطلق کشیده شده‌اند.

در این میان، دولت برای حل مشکلات اقتصادی و نقدینگی خود و تأمین بودجه کشور دست به حراج

اموال عمومی تحت نام "مولد سازی" میزند، که حتا خلاف قوانین خود جمهوری اسلامی است. بنا بر فرمان رهبری و از بالای سر مجلس، هیئت هفت نفره‌ای مرکب از بدنام‌ترین افراد حکومتی اختیار تام گرفته است که با مصونیت کامل قضائی ثروت‌های متعلق به مردم که بالغ بر صدها میلیارد دلار می‌شود را قیمت‌گذاری کرده و به فروش رساند.

- ۹- کنشگران آزادیخواه ایران موظفاند، همراه با شعار **نه بجهات اسلامی** و در تکمیل ضروری و اثباتی آن، شعارهای سیاسی - اجتماعی ایجابی خود را در اوضاع کنونی مطرح کنند. آنها آمروزه باید بر این حقیقت تاریخی درنگ کنند که در سیاست و در مبارزات اجتماعی، تنها با نفی کردن کاری از پیش نمی‌رود و نخواهد رفت. در این جاست که اعلام موضوعی ایجابی و اثباتگرا ضروری پیدا می‌کند. مبارزه در چهارچوب شعارهایی صرفاً نفیگرا چون «نه به دیکتا توری»، «نه به جمهوری اسلامی»... اگر همراه و همزاد نشود با بیان اثباتی یک طرح سیاسی- اجتماعی جایگزین، آشکار و ایجابی، در برابر جمهوری اسلامی و آلتربناتیوهای ارتجاعی و اقتدارگرای دیگر، هیچ تغییری در اوضاع به وجود نخواهد آورد. امروز، سه شعار ایجابی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران عبارت‌اند از: نه به دیکتا توری، آری به دموکراسی؛ نه به دین‌سالاری، آری به لائیسیته؛ نه به پادشاهی، آری به جمهوری.

دموکراسی چون مشارکت مردمان در اداره‌ی امور خود، ممکن نیست مگر با استقرار آزادی‌های گوناگون بیان، اندیشه، عقیده، تشکل و تجمع. بهویژه آزادی مخالفت کردن، آزادی اعتراض، تظاهرات و اعتصاب؛ آزادی مطبوعات و رسانه‌های مستقل، آزادی فعالیت‌های مدنی... دموکراسی یعنی پلورالیسم و چندگانگی که با هر گونه مناسبات اقتدارگرا، دیکتا توری، پادشاهی، فرد سالاری، دین‌سالاری، تک-حزبی، توپالیتر در تصاد قرار می‌گیرد.

لائیسیته چون جدایی دولت (سه قوای قانونگذاری،

قضائی و اجرائی) و دین، برابری همه‌ی شهروندان مستقل از اعتقادات دینی یا غیر دینی‌شان را تضمین می‌کند. در لائیسیته، دین رسمی وجود ندارد، مذهب و دین امر خصوصی تلقی می‌شوند و هر فرد آزاد است که باورمند به دین، بی‌دین یا ضد دین باشد.

جمهوری در مقابل پادشاهی و سلطنت قرار می‌گیرد. در جمهوریت، سیاست، دولت، حکومت و به طور کلی اداره‌ی امور جامعه و کشور، امر عموم است و نه در انحصار فردی، دسته‌ای، شورایی، حزبی، طبقه‌ای و یا نمایندگانی حتاً منتخب. جمهوری یعنی استقلال سه قوای اجرایی، قانونگذاری و قضایی. یعنی انتخابی بودن مقامات کشوری برای مدتی محدود و معلوم، از رئیس جمهور تا دیگر مسئولان دولتی، نمایندگان مجلس وغیره. جمهوری مورد نظر ما، با این که باید نگهبان یکپارچگی و تقسیم‌ناپذیری ایران باشد، اما به هیچ رو نباید تمرکزگرا باشد، با توجهی ویژه به شرایط یک سرزمین چند اتنیکی با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون و با خواسته‌ای دموکراسی‌خواهانه و برابری‌طلبانه از سوی مناطق مختلف. شکل و مضمون کشورداری غیر مرکز در شکل‌ها یعنی چون خود مختاری، فدرالیسم یا مجالس منطقه‌ای و استانی... در چهارچوب کشوری واحد را مردم ایران از راه دموکراتیک و با تشکیل مجلس مؤسسان خود تعیین و تبیین خواهند کرد.

۱۰- جنبش‌های اجتماعی نوین کنونی در جهان، و هم‌چنین در ایران امروز ما، با نفی و رد تحزب سنتی که عموماً هیمارشیک، قدرت‌طلب، انحصار‌طلب، دولتگرا، غیر دموکراتیک و اقتدارگرا است، در پی ابداع و ایجاد شکل‌های جدید و متفاوتی از سازماندهی و تشکل برای تغییرات بنیادی اجتماعی می‌باشند. چنین امری، به ویژه در رژیم‌های دیکتا توری و استبدادی چون جمهوری اسلامی ایران، یعنی در نبود دموکراسی و آزادی، کار دشواری است، اما غیر ممکن نیست. این تشکل‌یابی‌های نوین می‌خواهند به صورت جنبشی، افقی، شبکه‌ای و غیرسلسله‌مرا تبی عمل

نما يند. دموکراتیک، مستقل از دولت و احزاب، خود مختار و خودگردان باشد و سرانجام متکی بر مجامع عمومی تصمیم‌گیرنده و اجرا کننده.

۱۲- فکر ایجاد رهبری در خارج از کشور تلاشی بی‌ثمر و موهوم است. دست زدن به ایجاد آلتRNA تیوها بی در خارج از کشور چیزی نخواهند بود جز سرهم کردن "رهبری"‌ها بی کاذب، خودساخته، سایبری یا وکالتی... جدا از میدان اصلی اجتماعی و مبارزاتی و از بالا. این گونه بدیل‌سازی‌های بی‌ریشه و جدا از جامعه واقعی توسط احزاب، افراد یا کنشگران تبعیدی، خواسته یا ناخواسته، برای به رسمیت شناختن خود، متکی به قدرت‌های خارجی خواهند شد و در نتیجه کمکی به جنبش داخل نخواهند کرد.

گروه‌ها و سازمان‌های اپوزیسیون متوجه خارج کشوری بیش از هر چیز باید کوشش کنند که در درجه نخست در داخل کشور و در متن جامعه و جنبش‌های اجتماعی، به رغم همه مشکلات و محدودیت‌های ناشی از رژیم ترور و اختناق، حضور پیدا کنند و فعالیت نمایند. در خارج از کشور، وظیفه‌ی آن‌ها باید امر پشتیبانی از جنبش داخل کشور باشد. در کنار این وظیفه‌ی اصلی و مقدم، اما وظیفه‌ی دیگری در شرایط حساس کنوی، بیش یار

جمهوری خواهان خارج از کشور قرار دارد از جمله مبارزه سیاسی و نظری با جریان‌های اقتدارگرا در اشکال مختلف راست و چپ، به ویژه سلطنت‌طلبان و پادشاهی خواهان است. این دسته با ترفندهای گوناگون و آز راه امکانات گسترده‌ی تبلیغاً‌تی خود در خارج از کشور، خواهان احیای رژیم پادشاهی در ایران هستند و در این راستا از همکاری بخشهائی از جمهوری خواهان نیز برخوردار شده‌اند. از این روست که امروزه، شکل‌گیری هر چه گسترده، فعال و مستقل جمهوری خواهان در خارج از کشور در دفاع از جمهوریت و در نفی آلتRNA تیوهای اقتدارگرا و فردگرا چون پادشاهی و سلطنت اهمیت دوچندان می‌یابد.

۱۳- در خارج از کشور، همگرایی و اتحاد میان جریان‌های جمهوری خواه، دموکرات و لائیک / سکولار تنها در راستای وظیفه‌ی اصلی آن‌ها مبنی بر پشتیبانی و سازماندهی بیشترین همبستگی بین‌المللی با جنبش داخل کشور می‌تواند معنا داشته و تأثیرگذار باشد. هم چنان که امروزه ما شاهد همبستگی بسیاری جامعه بین‌المللی، نهادها و دولتهای دموکراتیک جهان با مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران می‌باشیم.

در ازای تاریخ نوزده ساله اش همواره خواهان همکاری و همگرایی با روندهای جمهوری خواه در خارج از کشور بوده و هست. این امر، به ویژه امروز، در شرایطی که جریان‌های اقتدارگرا و غیر دموکرات، از طیفهای مختلف سیاسی، با مشاهده برآمدن خیزش انقلابی در داخل کشور و احتمال فروپاشی نزدیک رژیم، سخت به تکاپو برای طرح شعارها و آلتRNA تیوهای خود افتاده‌اند، بیش از همه ضروری و مبرم می‌گردد. از دید ما، پذیرش چند اصل اساسی زیر می‌تواند شرط همکاری و همگرایی جمهوری خواهان قرار گیرد:

- ۱- سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران در؛
- ۲- جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین؛

۳- استقلال و یکپارچگی ایران؛  
۴- عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی.

۱۴- جنبش سرنگون‌طلب ایران با رژیمی سر و کار دارد که یک قدرت بزرگ نظامی و اسلامگرا در خاورمیانه و در آستانه دست‌یافتن به سلاح اتمی است. جمهوری اسلامی ایران، برای حفظ بقا خود، هم‌پیمان با دو قدرت بزرگ جهانی، چین و روسیه، شده است و از حمایت تام و تمام این دو برخوردار است. گروه‌های اسلامگرا و تروریست در خاورمیانه - از طالبان افغانستان تا حزب‌الله لبنان با گذر از یمن، عراق، فلسطین و رژیم سوریه - همگی سخت مدافع جمهوری اسلامی ایران‌اند چون به پشتیبانی معنوی و مادی، سیاسی و نظامی او نیاز حیاتی دارند. از سوی دیگر، نیروهای دموکراتیک در سطح بین‌المللی (جامعه مدنی، احزاب، پارلمان‌ها، دولتها...) نقشی نمی‌توانند و نباید به غیر از اعلام همبستگی خود با مبارزات داخل کشور و کوشش در منزوی کردن رژیم جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین‌المللی ایفا کنند.

برای ایزوله کردن هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی در جهان، اپوزیسیون ایران در خارج از کشور می‌تواند در راستای تحقق اهداف زیر مبارزه کند و دولتها و پارلمان‌های دموکراتیک و نهادهای بین‌المللی را مورد خطاب و زیر فشار گذارد:

۱- قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست گروه‌های تروریستی؛

۲- کاهش روابط دیپلما تیک با جمهوری اسلامی تا سطح کاردار به تناسب تشید سرکوب و نقض حقوق بشر در ایران.

۳- اخراج نمایندگان دولت جمهوری اسلامی از نهادهای بین‌المللی (زنان، حقوق بشر، سازمان بین‌المللی کار...)

۴- افزایش بسته های تحریمی هدفمند با افزایش

فشار بر رژیم اسلامی و عواملش، و نه بر مردم؛  
۵- کاهش همکارهای اقتصادی - تجارتی با جمهوری اسلامی تا پائین‌ترین سطح ممکن، برابر با تشدید نقض حقوق بشر در ایران.

۱۵- یکی دیگر از وظایف اپوزیسیون آزادی خواه و ترقی خواه ایران در خارج از کشور، در جهت ایجاد یک همبستگی بین‌المللی گسترده با جنبش‌های اجتماعی، مدنی، صنفی و سیاسی داخل کشور، فراخواندن نهادهای مستقل و متفرقی در کشور متبع - چون سازمان‌های زنان، حقوق بشری و ضد شکنجه و اعدام، نهادهای دفاع از روزنامه‌نگاران، نویسندگان و کنشگران سیاسی و عقیدنی دربند، سندیکاهای کارگری، معلمان و غیره - به پشتیبانی فعال از مبارزات مردم ایران با برگزاری کارزارها و همایش‌های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضد مردمی آن است.

۱۶- مردم ایران، تنها با تکیه به نیروی خود و مستقل از نیروها و قدرت‌های خارجی، تنها با ادامه و گسترش توانمندی خود، با تشکل‌پذیری خود در داخل کشور، توسط خود و به دست خود، در خودختاری و خودسازماندهی، و سرانجام تنها با طرح خواسته‌ایی ایجابی و اثباتی در راستای آزادی، جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین، قادر خواهد شد از راه ایجاد جنبشی پایدار، مقاوم و مداوم در برابر قدرت حاکمه، شرایط ایجاد قدرتی دوگانه و سرانجام فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم آورد. وظیفه اپوزیسیون جمهوری خواه، دموکرات و لائیک در خارج از کشور، با ایجاد یک همکاری و همگرایی بزرگ میان خود، پشتیبانی از جنبش انقلابی داخل و گسترش همبستگی بین‌المللی با آن است.  مصمم است که در این جهت عمل کند و عمل خواهد کرد.

# جنپش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۴ زوئن ۱۴۰۲ - ۲۰۲۳ خرداد ۱۴



جنپش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

## گردهمایی سراسری دوازدهم جنپش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

گردهمایی سراسری دوازدهم

۱۲ و ۱۳ زوئن ۱۴۰۲ - ۲۰۲۳ خرداد ۱۴

جنپش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

## گزارش

دوازدهمین گردهمایی سراسری جنپش جمهوری خواهان

دموکرات و لائیک ایران، همراه با میز گردی متشکل از چهار نهاد جمهوری خواهی، پیرامون بررسی خیزش آنقلابی اخیر و وظایف اپوزیسیون جمهوری خواه خارج از کشور، در شهر بروکسل در روزهای ۲، ۳ و ۴ ژوئن برگزار شد.

محور اصلی این گردهما بی، بررسی شرایط سیاسی ایران پس از آغاز خیزش زن، زندگی، آزادی" و چگونگی و شکل پشتیبانی ایرانیان خارج از کشور در تداوم آن بود. از آن میان طرح و بررسی وظایف جمهوری خواهان دموکرات بعنوان جمعی که نسبت به دیگر نظرات، نظراتی نقادانه تر و قابل تعمق تری دارند مورد نقد قرار گرفت.

پیشنهادهای ارائه شده از طرف نشست به مضمون زیر بود :

- ۱- کوشش در جهت ایجاد زمینه های عملی برای ایجاد یک فروم جمهوری خواهی به منظور همراه کردن این جمع به هماندیشی و همبینشی نزدیکتر؛
- ۲- کوشش در زمینه فراهم ساختن امکانات لازم جهت بازگشایی گفتمان های نظری از طریق میزگرد ها؛
- ۳- کوشش در جهت فراهم ساختن شرایطی برای فعالیت های عملی مشترک بر اساس پروژه های مورد توافق.

در پایان، یک بیانیه سیاسی جهت نقد و بررسی به گردهما بی ارائه شده بود که پس از بحث و گفتگو بین همراهان به تصویب رسید. این بیانیه به نقد و بررسی همه جانبه خیزش آنقلابی ۱۴۰ "زن، زندگی، آزادی" پرداخت و راه کارهایی را برای همگرایی جمهوری خواهان در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران ارائه داد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران امیدوار است با شرکت در متحول شدن این راه بردها، به زمینه های پیوند ارگانیک بین فعالیت های جمهوری خواهان دموکرات و خواهان جدایی دین و دولت، در

پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، کمک رسانی کرده و گامهای موثری در این زمینه بر دارد.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

5 ژوئن 2023 - 15 خرداد 1402



آگهی دوازدهمین گردهمایی  
سراسری  
جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران



شنبه ۳ و یکشنبه ۴ زوئن ۱۴۰۳ - ۱۳ و ۱۴ خرداد ۱۴۰۲

### در شهر بروکسل - بلژیک

جنیش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، بنا بر قرار همیشگی خود، امسال نیز در روزهای شنبه ۳ و یکشنبه ۴ زوئن ۱۴۰۳، برابر با ۱۳ و ۱۴ خرداد ۱۴۰۲، دوازدهمین گردهما می سراسری و سالانه خود را تشکیل می دهد. این گردهما می، به نام **جمهوری خواهان دموکرات و خیزش انقلابی ۱۴۰۱**، در شهر بروکسل (بلژیک) برگزار خواهد شد.

در این نشست، با توجه به آزمون بزرگ و تاریخی این خیزش و ادامهی مبارزات مردم ایران برای کسب آزادی و دموکراسی، ضرورت رایزنی در تبیین راهکارهای مناسب برای همکاری و همگرایی جمهوری خواهان دموکرات و لائیک در راستای پشتیبانی از جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی داخل کشور اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.

ما از همهی دوستان و علاقهمندان دعوت ممکنیم حضوری و یا مجازی (زوم) در بحث‌های این گردهما می شرکت کنند و ما را در همفکری و همکوشی یاری رسانند.

دوازدهمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری خواهان  
دموکرات و لائیک ایران

شنبه ۳ و یکشنبه ۴ ژوئن ۲۰۲۳ - ۱۳ و ۱۴ خرداد  
۱۴۰۲

ساعت ۱۰:۳۰

بروکسل - بلژیک

Avenue d'Auderghem (Auderghem) numéro 56  
1040 Bruxelles - Belgique

**لینک به اتاق زوم**

Meeting-ID: 816 8518 3452

Kenncode: 396158



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۴۰۲ مه ۲۰۲۳ - ۷ خرداد ۲۸

# میزگرد سیاسی چهار جریان جمهوریخواه و لائیک



خیزش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" و درس‌های آن برای ایران پوزیسیون جمهوریخواه

جمعه ۲ ژوئن از ساعت ۱۸:۳۰ به وقت  
برابر با ۱۲ خرداد از ساعت ۲۰:۰۰ به وقت تهران

گشا بیندگان بحث:

ارزنگ برهان از اعضای هماهنگی جمهوریخواهان  
ایرانی در اروپا  
کیومرث صابغی، از همراهان جنبش

جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران  
فرهنگ قاسمی سخنگوی حزب سوسیال دموکرات و  
لائیک ایران

| **امیر حسین لادن راهبرد اندیشکده آگاهی و  
شناخت**

**شیدان و ثیق**، از همراهان جنبش جمهوریخواهان  
دموکرات و لائیک ایران

آدرس محل برگزاری:

Avenue d'Auderghem (Auderghem) numéro 56  
Bruxelles 1040

Belgique

لينك به زوم

Meeting-ID: 816 8518 3452

Kenncode: 396158

اندیشکده آگاهی و شناخت  
هماهنگی جمهوریخواهان ایرانی در اروپا  
حزب سوسیال دموکرات و لائیک ایران  
جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

---

# نه به اعدام، خشن ترین شکل آدمکشی دولتی!



## اعلامیه مشترک سه سازمان جمهوریخواه، دموکرات و لائیک

اولین نشان و ویژگی شأن انسانی حق حیات است و جهان سلطه طلب قرن هاست که به بهانه "باورها"، "عقیده ها"، "سنت ها" و "قوانين مدنی" این حق را از انسانهای فراوانی ستانده است. مجازات اعدام و در واقع قتل عمد دولتی؛ خشن ترین و غیر قابل بازگشت ترین تجاوزی است که از سوی دولت ها و سلطه گران بر انسان ها روا شده است.

بنا به گزارش سازمان عفو بین الملل، ۵۷۹ نفر در ۱۸ کشور جهان در سال ۲۰۲۱، اعدام شدند که نسبت به سال ۲۰۲۰، افزایش ۱۹,۹ درصدی در همان کشورها داشته است. این روند در ایران پس از جنبش مهسا رو به افزایش داشته است.

جمهوری اسلامی از همان آغاز به عمد و با برنامه‌ی سرکوب مردمان میهن ما به بهانه‌ی "موازین شرعی قصاص"، مجازات اعدام را بعنوان ابزاری سیاسی در مورد مخالفین "آیین الهی" - خود - و دگر اندیشان بکار گرفت. جمهوری اسلامی در سال گذشته، بعد از کشور چین، رتبه دوم را در اجرای اعدام از آن خود کند که نسبت به تعداد جمعیت به رتبه نخست میرسد، روندی که از همان آغاز اعلان موجودیت تا کنون نسبت به شهروندان روا داشته است. اعدام یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی به اتهامات بیهوده مانند عناد علیه مذهب، کفر و بی‌حرمتی به موازین اسلامی از جمله مجازات‌های غیر انسانی اخیر رژیم است.

ما سازمان‌های جمهوری‌خواه دمکرات و لائیک، اعدام‌های اخیر در سرتاسر ایران، به ویژه در بلوچستان را به شدت محکوم میکنیم و از انسان‌های عدالت‌خواه و داد خواهی که همواره به مجازات اعدام "نه" گفته‌اند میخواهیم تا جهانیان را علیه بی‌عدالتی‌های رژیم ایران، با خود همراه و همداستان کنند.

## اندیشکده آگاهی و شناخت

حزب سوسيال دموکرات و لائیک ایران ( همسازی ملی  
جمهوری‌خواهان )

جن بش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۰۲۳ مه ۱۳



جن بش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران



اندیشکده آگاهی و شناخت